

راه خوشبختی انسان کدام است

۲۴ آبان ۱۳۹۳ ساعت ۱۸:۱۸

پیام معنوی شیعه به جهانیان یک جمله بیش نیست «خدا را بشناسید» و به تعبیر دیگر، راه خداشناسی را پیش گیرید تا سعادت‌مند و رستگار شوید و این همان جمله‌ای است که پیغمبر(ص) دعوت جهانی خود را با آن افتتاح فرمود.

علامه سیدمحمدحسین طباطبایی در ذیحجه سال ۱۳۲۱ هجری در شهر تبریز بدنیا آمد. در پنج سالگی مادرش بدورد حیات گفت. هنوز داغ مادر در سینه داشت که پدرش مرحوم شد. در مدارس قرآن، گلستان، اخلاق مصور، تاریخ و ... فرا گرفت. وی خودش در خاطراتش می‌گوید که در خود یک شیفتگی نسبت به تحصیل کمال حس کرده و از آن زمان بی‌خستگی و دلسردی به تحصیل علم پرداخته و بسیار شده که شب را تا طلوع آفتاب مطالعه کرده است.

وی برای ادامه تحصیلات خود به نجف رفتند و آنجا بود که حاج میرزا علی‌آقا قاضی به سراغش رفته و فرموده که علاوه بر تحصیل، از فکر تهذیب خود غافل نمان. ایشان یازده سال در کنار مرقد امام علی (ع) از محضر اساتیدی همچون آیت‌الله نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، سید حسین بادکوبه‌ای، حاج میرزا علی‌ایروانی و ... استفاده کرد و در سال ۱۳۱۴ به تبریز بازگشت. سرانجام پس از ۸۱ سال در ۲۴ آبان ۶۰ شمسی دار فانی را وداع گفتند.



۲۵

به مناسبت سالروز بزرگداشت علامه طباطبایی بخشی از زندگی و گفتارهای این مفسر بزرگ قرآن کریم را بازخوانی می‌کنیم:

✽ راه خوشبختی انسان

هدف در جامعه اسلامی سعادت حقیقی عقلانی است به این معنا که آدمی در مقتضیات قوای خویش راه میانه پیش گیرد، خواسته‌های تن را به آن اندازه که او را از راه بندگی و معرفت خدا باز ندارد، برآورد؛ به طوری که پرداختن به جسم، مقدمه رسیدن

به معرفت خدا باشد. چنین رویه‌ای انسان را به تمام معنا خوش بخت خواهد کرد، زیرا بدین ترتیب همه قوای آدمی به سعادت می‌رسند و بزرگ‌ترین راحتی و آسایش همین است. هر چند بر اثر آن که تربیت اسلامی در بین ما مختلف شده نمی‌توانیم این هدف را آن طور که باید و شاید درک کنیم.

*۲ نمونه از فهم انسان‌های گذشته از دنیا

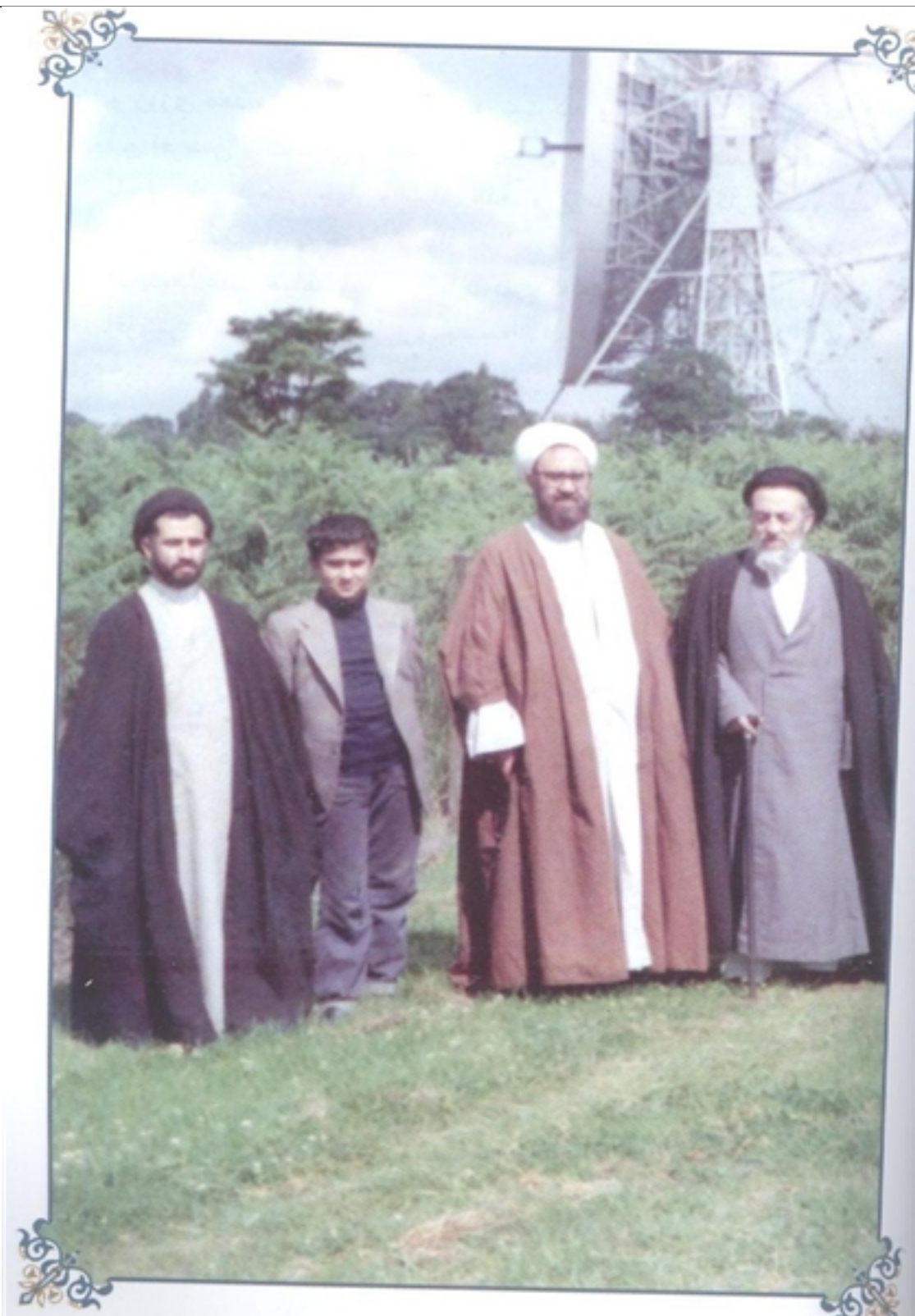
کسانی هستند که در اثر صفای فطرت، سعادت خود را در دلبستگی به لذایذ گذران و زندگی چند روزه این جهان نمی‌بینند و سود و زیان و شیرین و تلخ این سرا پیش ایشان جز پنداری فریبنده نیست. اینان وقتی که از زبان قرآن می‌شوند که به نماز امر می‌کند و ظاهر آن به جا آوردن عبادت مخصوص است، به حسب باطن از آن می‌فهمند که باید در برابر حق، خود را هیچ شمرد و فراموش کرد و تنها به یاد خدا پرداخت.



وقتی که از راه وحی آسمانی می‌شنوند که خدای تعالی از پرستش بت‌ها نهی می‌کند و ظاهر آن مثلاً نهی از سر فرود آوردن در برابر بت است، به حسب تحلیل از این نهی می‌فهمند که غیر از خدا را نباید اطاعت کرد، زیرا حقیقت اطاعت همان بندگی و سرفرود آوردن است و از آن بالاتر می‌فهمند که از غیر خدا نباید بیم و امید داشت و از آن بالاتر می‌فهمند که به خواست‌های نفس نباید تسلیم شد و از آن بالاتر می‌فهمند که نباید به غیر خدا توجه کرد.

*راه شناخت شایستگی و ناشایستگی جوامع مترقی و متمد

اگر کسی خواسته باشد درباره شایستگی و ناشایستگی افراد جوامع متمدن و مترقی قضاوت کند و بگوید این ملل برخلاف ملل دیگرند، نباید مبنای قضاوت خود را بر معاشرت‌ها و آمیزها و زندگی داخلی آنان قرار دهد، بلکه باید مبنای داوری، شخصیت اجتماعی آنان باشد که در برخورد و اصطحکات با ملل ضعیف و همچنین در آمیزش‌هایی که در صحنه زندگی با سایر شخصیت‌های اجتماعی عالم دارند، به خوبی ظاهر و بارز است. این است آنچه‌ی که باید در قضاوت راجع به شایستگی و ناشایستگی و نیک بختی و بدبختی اجتماع معتبر باشد و مراعات شود.



*علل گرایش مردم به جوامع متمدن و غربی

رخدادهایی که اینک در اروپا بین جوانان و دوشیزگان، مردان و زنان شوهردار، زنان و فرزندان و خانواده‌ها معمول است و در مجالس جشن و شب‌نشینی و رقص و ... رواج دارد، جریان‌هایی که زبان یارای گفتن آن را ندارد، و چه بسیار چیزهایی که در طریقه دینی در شمار امور عادی است، به نظر آنان، عجیب و غریب و خنده دار جلوه کند و بالعکس! و همه اینها بر اثر آن است که اختلاف نوع تفکر و ادراک، موجب اختلاف راه می‌شود. در این مرام‌های احساسی از تعقل جز همان مقداری که راه بهره برداری

و لذت را هموار کند، استفاده دیگری نمی‌شود، زیرا تنها هدف همین است و چیز دیگری جز از سنخ خودش نمی‌تواند مانع آن شود.

*غرب هیچ قصدی جز بندگی و اسارت ملت‌ها ندارد

اگر با تأمل ، تاریخ حیات اجتماعی غربیان را از بدو نهضت جدید اروپا مطالعه کرد و در خصوص رفتاری که با ملت‌های ضعیف و نژادهای نگون بخت انجام داده می‌دهند، خوب دقت کند، بی‌درنگ در خواهد یافت که این جوامع در عین آن که اظهار کمال رأفت و خیرخواهی نسبت به نوع بشر می‌کنند و می‌گویند که حاضرند در راه خدمت به نوع و اعطای آزادی و دست‌گیری از ستم دیدگان و بیچارگانی که حق‌شان را پایمال کرده‌اند و الغای بردگی و اسارت ملت‌ها از جان و مال بگذرند، با وصف همه این تظاهرات - هیچ قصدی جز بردگی و بندگی ملت‌های ناتوان زمین ندارند و هر وقت به هر وسیله که بتوانند منظور خود را اجرا می‌کنند، یک روز با جبر و زور، روز دیگر به نام استعمار یک روز با بلعیدن و مالک شدن یک مملکت، روز دیگر به عنوان قیومیت، روزی به نام حفظ منافع مشترک، روز دیگر به نام کمک به حفظ استقلال، روزی به عنوان حفظ صلح و مبارزه با خطراتی که صلح را تهدید می‌کند، روز دیگر با غوغای دفاع از حقوق طبقات محروم و مستأصل و ...

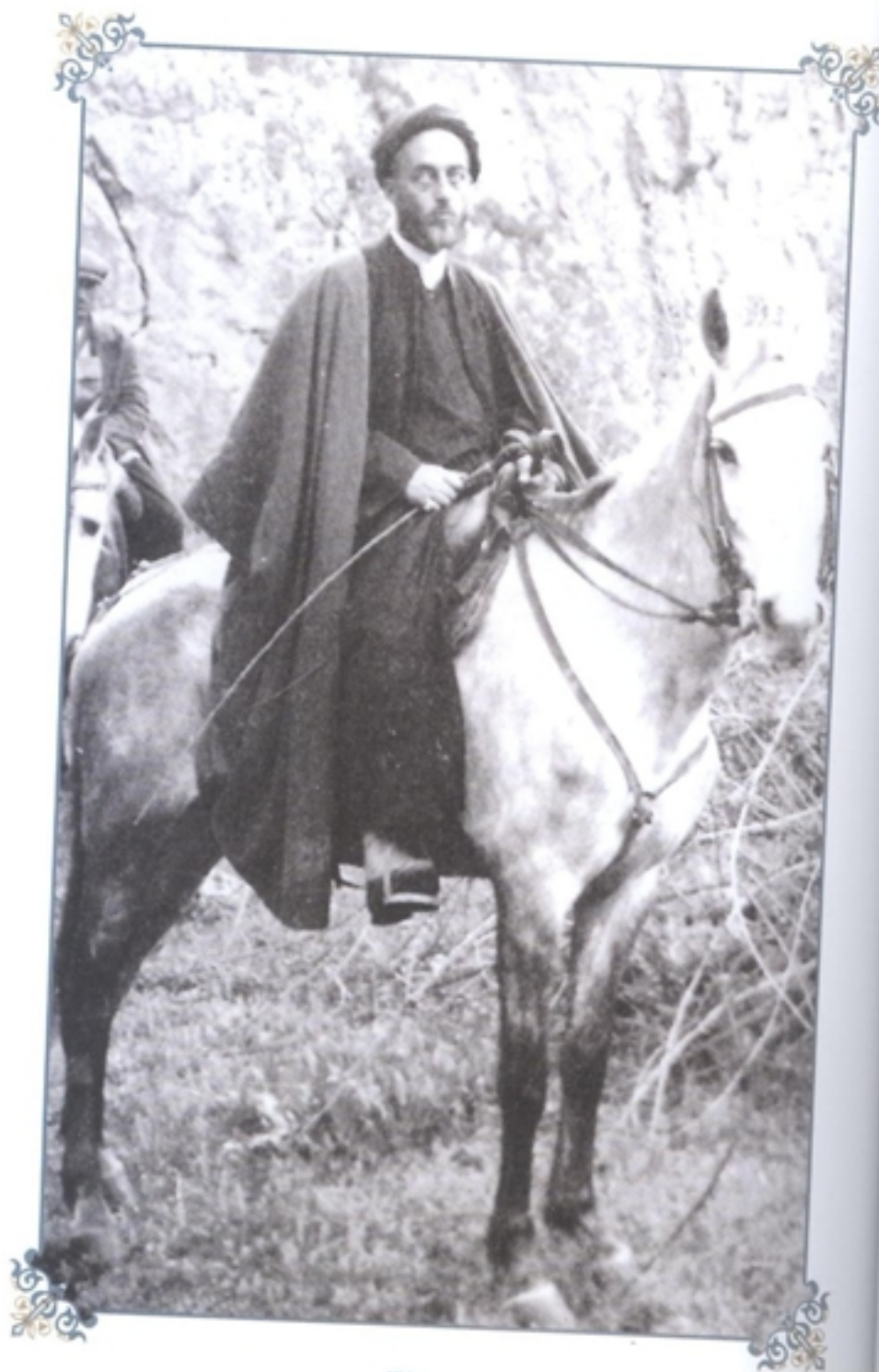


۴۷

*پیام شیعه

پیام معنوی شیعه به جهانیان یک جمله بیش نیست، آن این است که «خدا را بشناسید» و تعبیر دیگر، راه خداشناسی را پیش گیرند تا سعادت‌مند و رستگار شوند و این همان جمله‌ای است که پیغمبر اکرم (ص) برای نخستین بار دعوت جهانی خود را با آن افتتاح فرمود: «ای مردم! خدا را به یگانگی خدا را به یگانگی بشناسید و اعتراف کنید تا رستگار شوید.»

آنچه از افکار اروپاییان تراوش می‌کند و تا حدی تعلیمات ناقص دست خورده خودمان تأییدش می‌کند، این است که دین یک سلسله اعمال تشریفی است که پس از مرگ انسان را خوشبخت می‌سازد و بنیادش بر خداشناسی است. بدین ترتیب که انسان‌های اولیه که در عهد اساطیر زندگی می‌کرده‌اند، در جهان با پدیده‌ها و حوادثی روبه‌رو می‌شدند که علل و اسباب آنها برایشان قابل درک نبود، مانند روح و حالات روحی و حوادث آسمانی و حوادث عمومی دیگر و نظایر آنها و در نتیجه چاره‌ای جز اثبات یک علت مجهول فوق طبیعت به نام خدای جهان نداشته‌اند.



*تلقیق غرب به ما

اروپایی‌ها با همه وسایل استعباد و استعمار که در رأس آنها آزادی در هر گونه شهوت رانی و سلاح‌های مخرب و هولناک و از همه بالاتر تبلیغات قرار داشت، مجهز بودند و با مؤثرترین وسایل به ما تلقین کافی کردند که افکار علمی و روش زندگی ما در بازار جهان هیچ گونه ارزشی ندارد، فکر فکر اروپایی‌ها و روش روش آنها و زندگی علمی آنهاست و برای ترقی در سیر انسانیت، هیچ تکلیفی جز این که در فکر و عمل، دنبال اروپایی‌ها را گرفته و با تبعیت بی چون و چرا پیش رویم، نیست. با این تلقین استقلال

فکری اکثریت قریب به اتفاق ما که صدها سال بود روبه ضعف و انحطاط سیر می‌کرد، به کلی از میان رفت و بقایای همت و اراده خود را هر چه بود باختیم. دیگر پیش ما انسانی جز غربی‌ها و دنیایی جز غرب و زندگی جز وضع حاضر اروپا و سعادت‌ی جز روش ماده پرستی آنها نیست.

*نتیجه روش‌های غیر دینی انحطاط اخلاق است

روش‌های غیر دینی تنها زندگی چند روزه این جهان را در نظر می‌گیرند و برای انسان وظایفی وضع می‌کنند که در سایه آنها از زندگی مادی و منافع جسمانی که میان انسان و سایر حیوانات مشترک است، بهتر بتواند بهره‌برداری نماید و در حقیقت یک زندگی حیوانی را با مناطقی که از احساسات و عواطف چرندگان و درندگان سرچشمه می‌گیرد، برای انسان تنظیم می‌کنند و دیگر توجهی به واقع بینی انسان و زندگی جاوید و مملو از معنویات وی ندارد. از اینجاست که اخلاق عالی به تدریجاً از جامعه‌های غیردینی رخت می‌بندد و روز به روز انحطاط اخلاقی آنان روشن‌تر و آشکارتر می‌شود.

*گوشه‌ای از وظایف والدین نسبت به فرزند

از نخستین روزی که کودک سخن یا اشاره را می‌فهمد، پایه اخلاق پسندیده و صفات شایسته را در روان وی بنا نهاده استوار سازند و تا می‌توانند او را از موضوعات خرافی نترسانند و از کارهای زشت و خلاف عفت باز دارند و خود نیز از گفتن دروغ و بدگویی و دشنام و الفاظ رکیک اجتناب کنند و در برابر وی کارهای پسندیده کنند تا عقیف و عالی طبع بار آید و از خود جدیت و همت و عدالت بروز دهند تا عدالت دوستی، نوع پروری آنان از روی قانون انتقال اخلاق به وی منتقل شود.

منابع:

بنده خاص؛ مجموعه‌ای از تفکرات و گفتارهای علامه طباطبایی

تعالیم اسلام (سیدهادی خسروشاهی)

شیعه در اسلام (سیدهادی خسروشاهی)

منبع: فارس

